

روان شناسی فردی واجتماعی رفتارهای کی روش، برانکو، کوچی و...

پشت صحنه دعوای فوتبال این روزها



پرونده

چندروز از بازی های تیم ملی در جام جهانی گذشته، اما هنوز روند اتفاقات مرتبط با آن ها ادامه دارد. کوچی پسر سر به زیر فوتبال ایران و سردار آزمون مهاجم جوان تیم ملی که طی یک سال اخیر در رده ملی و باشگاهی درخششی نداشته هر دو از تیم ملی خدا حافظی کردند، یکی به دلیل بازی نکردن و آن یکی به دنبال عواقب بازی کردنش. کی روش با بازیکنان پرتغال هنوز جنگ رسانه ای دارد، بابرانکو هم به مشکل جدی خورده است. خلاصه حواشی داستان یکی دوتا نیست. برای درک بهتر شرایط کمی به عقب برگردیم. در همه دنیا تیم های ملی حق دارند چندروز قبل از دیدارهای رسمی و دوستانه طبق تقویم «فیفا دی» بازیکنانشان را در خدمت داشته باشند. اما طی چند سال اخیر، کی روش که از وضع بدسازي و کیفیت تمرین باشگاه های داخلی راضی نبود برای بیشتر بازی های تدارکاتی معمولی و تمام بازی های رسمی، لیگ را تعطیل می کرد تا بتواند بازیکنان را در اردوهای بدنسازی و آماده سازی در اختیار داشته باشد. البته این ماجرا فقط شامل بازیکنان شاغل در ایران می شد و

بدنه اصلی تیم که لژیونر بودند طبق همان قواعد جهانی به تیم اضافه می شدند. همین تعطیلی زیاد لیگ در مقاطع مختلف، به خصوص برای بازی های تدارکاتی، منشاء اختلاف جدی کی روش و چند مربی تیم های لیگ برتری از جمله برانکو شد. البته ۱۶ تیمی مانند لیگ برتر و تعطیلی های مکرر و تک بازی بودن جام حذفی که همه در راستای برنامه های کی روش بود در مقطعی باعث شد کیفیت و جذابیت لیگ برتر پایین بیاید و اعتبار جام حذفی هم به شدت کاهش پیدا کند. در این شرایط تصور می شد با جو مثبتی که حول تیم ملی و بازی های غیرتمندانه اش شکل گرفته، کی روش که مدام حرف از جدایی می زد دیگر بی خیال اختلافات قدیمی شود، اما وقتی او اختلاف هشت سال قبلیش با کریستیانو رونالدو و کوارشمارا فراموش نکرد چرا باید بی خیال برانکو شود؟ در این پرونده تلاش کردیم رفتارشناسی خودمانی داشته باشیم از داستان اختلاف کی روش و برانکو، ویژگی های خدا حافظی کوچی و سردار را بررسی کنیم و نقبی به ویژگی های اجتماعی دو کشور پرتغال و کرواسی و بازتاب آن در رفتار کی روش و برانکو بزنیم. با ما همراه باشید.

تحلیلی بر محتوای نامه خدا حافظی کوچی و سردار

خدا حافظی به سبک رضا و سردار



میزان بوده که او را به اتخاذش متقاعد کرده است. حواله دادن شکست به تقدیر و نپذیرفتن مسئولیت [آن] با تمام تلاش های بی دریغ ما و دعا های میلیون ها ایرانی تقدیر با ما یار نبود] هم نکته دیگری است که در متن خدا حافظی آزمون و در منش بسیاری دیگر از ورزشکاران و مسئولان ورزشی ما به چشم می خورد؛ رفتاری که در دنیای حرفه ای ها جایی ندارد. قدراسیون فوتبال آلمان بعد از حذف، در پیامی نوشت «متأسفیم که مثل یک قهرمان نبودیم و شایسته حذف شدن بودیم... گاهی باید اعتراف کرد که رقبای بهتر از شما بوده اند»، به نظر می رسد با توجه به این که سردار فقط ۲۳ سال دارد خوب می دانیم خدا حافظی او تعارفی بود برای این که کمی جو را بعد از خدا حافظی کوچی به نفع خودش تلطیف کند. خدا حافظی کوچان نژاد اما هواداران تیم ملی را غمگین کرد. کسی نمی توانست خوب و بد عملکرد او را در زمین پیش بینی کند، همان طور که مثلا «رونالدو» خلاف انتظارها در بازی با ما اصلا خوب نبود. اما همین که کوچی در سه بازی مهم، حتی یک دقیقه هم بازی نکرد باعث شد هواداران، احساس او را وقتی در متن خدا حافظی اش از «غرور و شخصیت» نوشت، درک کنند. کوچان نژاد، نه تنها کسی را به خاطر بازی نکردنش سرزنش نکرد، بلکه محترمانه از همراهی کادرفنی و تدارکات و بقیه بازیکنان تشکر کرد. خدا حافظی او هر چند مودبانه و به دراز طلبکاری بود اما همین ناراحتی بازی نکردن هم از طرف یک فوتبالیست حرفه ای پذیرفته نیست. کوچان نژاد در عضو تیم ملی بودن یا نبودن مختار است اما حتما خوب می داند که عضویت در یک تیمی یعنی تماما در خدمت تیم بودن و احترام گذاشتن به همه تصمیمات. او همچنین خوب می داند «تصمیم سخت» را وقتی گرفت که فوتبالیست بودن را با همه بالا و پایین ها و خوشی ها و سختی هایش انتخاب کرد.



الیه توانا | دانش آموخته روان شناسی بالینی

به فاصله کوتاهی بعد از حذف تیم ملی کشورمان از جام جهانی، «رضا کوچان نژاد» در اینستاگرام نوشت: «... به این نتیجه رسیدم که در قلم، عشق به تیم ملی، هر روز بیشتر و بیشتر میشه اما عقلم، شخصیتم و غرورم این اجازه رو به من نمیدن که بهترین پیرهن دنیا رو دیگه بر تن کنم؛ ساعتی بعد، «سردار آزمون» هم در صفحه اش نوشت: «متأسفانه با همه علاقه ای که دارم ... تصمیم گرفتم که از تیم ملی کشورم خدا حافظی کنم». این دو خدا حافظی همزمان، واکنش های متفاوتی در پی داشت؛ ضمن احترام به تصمیم آزمون و کوچان نژاد، می خواهیم بدانیم چرا این دو خدا حافظی با دو واکنش متفاوت مواجه شده است و چرا ما توقع دیگری از سردار و رضا داشتیم؛ سردار از همان ابتدای جام بنار گذاشت بر متوقع بودن؛ شاید اگر انتقادها را با طلبکاری پاسخ نمی داد، عملکرد ضعیفش در تیم ملی مورد اغماض قرار می گرفت و از خدا حافظی اش این همه استقبال نمی شد. او یک بار در جریان بازی ها گفت (نقل به مضمون) که وقتی همه در تعطیلات بودند، ما در حال تمرین بودیم؛ معنی این اعتراض ناپخته این است که آزمون اقتضائات بازیکن تیم ملی بودن را نمی داند و وظیفه و مسئولیتی را که این سمت برایش می آورد، لطف به دیگران قلمداد می کند و در قبال کاری که پول، وجهه اجتماعی، محبوبیت و شهرت برایش به همراه دارد، بر سر هوادارانش منت می گذارد. روحیه طلبکارانه در متن خدا حافظی آزمون هم دیده می شود؛ «یک جوان ۲۳ ساله با سختی های بسیار به این جا رسیده»، معلوم است که بودن در تیم ملی در سن و سال آزمون، کار مشقت باری است اما مگر این تصمیم خود او نبوده؟ تصمیمی که لایذ کفه مثبت و منفی هایش برای آزمون، طوری



نگاهی به ویژگی های اجتماعی پرتغالی های پر شور و کروات های آرام

فراتر از نبرد کی روش و برانکو



مرتضی اخوان

تمام کسانی که ذره ای و کمتر از ذره ای با تاریخ آشنایی داشتند، نه آن لیخندهای تصنعی را باور کردند و نه چشم های مغرور زیر کلاه صورتی را. هیچ کس باورش نشد دیدار هشتم خرداد ۹۴ سر مربی تیم ملی با سرمربی پرسپولیس تلاشی برای برقراری یک صلح بادوام باشد. دور بین ها عکس خود را گرفتند و خبرنگاران حسب وظیفه ملی شان خبر آتش بس موقت کی روش و برانکو را مخابره کردند. اما کمتر کسی بود که باور کند مرد پرتغالی با کروات نیمکت پرسپولیس به نقطه آشنایی رسیده باشد. چون هر کس حداقل تاریخ خوانی از می داند که آب پرتغالی ها با کروات ها به خاطر تفاوت های زیاد تووی یک جوی نمی رود. تاریخ این دو کشور و مردمان شان سراسر تناقض است و تقابل.

پرتغالی های اقتدار گرا

از پرتغالی ها شروع کنیم. کشوری با بیش از ۱۰ میلیون جمعیت و مردمانی که در طول تاریخ همیشه در پی بکیر و ببند بودند. مردمان سومین کشور بزرگ مستعمراتی جهان خلق و خوی شان هم همین طور است. آن ها همیشه و هر جا همه چیز را می خواستند. اقتدار و بد اخلاقی و ویژگی های مشترکی است که در میان مردمان سرزمین دریانوردان و کشتیرانان به وفور یافت می شود. بباید کمی به قضیه فوتبالی تر نگاه کنیم. کی روش، سرمربی موفق تیم ملی که جا و جنجال همیشگی اش گاه روی اعصاب هواداران فوتبال در کشورمان رژه می رود، را کنار بگذارید. به کریستیانو رونالدو بزرگ برسید. به مورینیو همیشه پُر حاشیه. گویی خوی جاه طلبی همراه با دیکتاتوری و پر خاش در غربی ترین کشور اروپایی کاملا طبیعی است. همه آن هایی که رونالدو را توانا تر از مسی می دانند یا مورینیو

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه ۹ تیر ۱۳۹۷
۱۶ شوال ۱۴۳۹ • ۲۰ ژوئن ۲۰۱۸
شماره ۱۹۸۵۳

۱۰۷۶

نظر یک روان شناس درباره شخصیت سرمربی تیم ملی که بی خیال دشمنی هایش با دیگران نمی شود

«کی روش» توانایی مدیریت

کینه هایش را ندارد



کاوه قادری | دانشجوی دکترای تخصصی روان شناسی

چه مشکل شخصیتی باعث می شود تا ما جراح های کی روش بارونالدو، برانکو و بسیاری دیگر به خط پایان نرسد؟

روان شناس بالینی برای این که بتواند درباره شخصیت یک نفر نظر بدهد باید بعد از شرکت فرد مد نظر در آزمون های روان شناسی با ویک مصاحبه داشته باشد تا به تشخیص قطعی برسد. ذکر این نکته در باره نظری که می خواهیم درباره شخصیت «کی روش» بدهیم ضروری است. بنابراین چون به «کی روش» دسترسی نداریم، تنها راه برای ارزیابی شخصیت وی مشاهده رفتارهای او و تحلیل آن هاست.

آیا با مشاهده رفتار های او در کنار زمین و کنفرانس های خبری اش، می توانیم «کی روش» را شخصیتی کینه ای بنامیم؟

بر اساس همین مشاهدات، از نمود رفتاری و تکرار برخی رفتارهای وی متوجه می شویم که یک سری مسائل مدام در ذهنش تکرار می شود و تمام کردن شان برای او سخت است. این رفتار می تواند ما را به چند گرایش و مشکل روان شناختی در او برساند. به طور مثال ممکن است که گرایش های و موساسی در او غالب باشد. درباره کینه ای بودن هم باتوجه به خشمی که در او وجود دارد، ممکن است روی رفتار هایش تاثیر گذاشته باشد. با این حال، می توان یک سری حدس های کلی زد ولی زمانی این حدس ها قطعی می شود که ارزیابی دقیقی روی شخصیت او انجام شود. البته این که این رفتارها روی چندین نفر تکرار شده، حدس ما را تقویت می کند. ما از یک مربی بین المللی توقع داریم که در کنار کارهای حرفه ای اش، ویژگی های شخصیتی مخرب نداشته باشد.

به نظر تا ن چه عواملی باعث می شود تا «کی روش» با قدرت بیشتری، کینه هایش را بروز دهد؟

بارزترین مسئله ای که به نظر می رسد، دست «کی روش» را در انجام چنین رفتارهایی باز گذاشته است. احساس حمایت هایی است که از دریافت شان مطمئن است. هم اکنون و همان طور که همه مردم می بینند، قدراسیون فوتبال خیلی «کی روش» را قبول دارد و به دلیل یک سری موفقیت هایش، معتقد است که نباید هیچ فردی کوچک ترین نقدی به وی داشته باشد. این حسی که در دریافت حمایت از دیگران دارد، روی این رفتارش تاثیر گذار است و بروز این خشم و کینه، راهی محابا تر کرده است و در این شرایط انتظار می رود که به این یک تازی هایش ادامه دهد.

واکنش برانکو به صحبت های کی روش را چه طور ارزیابی می کنید؟ وقتی به فردی توهمین می شود و شائبه هایی درباره عملکردش مطرح می شود، سدا رهکار مقابله وجود دارد که دو مورد آن ناسالم و دیگری سالم است. بعضی افراد بر خوردی متعلا نه دارند و در برابر توهمین ها و انتقادات شدیدی که به آن ها می شود، سکوت می کنند. این سبک اشتباه است چون فرد متغیر را به مرور در مرحله ضعف و کاهش عزت نفس قرار می دهد که کمتر فردی در مقابل «کی روش» چنین رویکردی دارد. یک سبک دیگر، پرخاشگرانه است که این هم اشتباه است و جایگاه اجتماعی فرد را به خطر می اندازد. برانکو در واکنش اخیرش با مطرح کردن این که ویژگی مردم کشور «کی روش» همین است و ... نشان داد که این سبک را برای پاسخ دادن به سرمربی تیم ملی انتخاب کرده که باعث ناراحتی بسیاری از مردم شد و تنش بالا گرفت. سبک ارتباطی دیگر که بهترین روش است، سبک ابراز وجود است. در این روش، در عین حال که پاسخ طرف مقابل را می دهیم، به او توهمین نمی کنیم. این بهترین روش برای مقابله با کی روش است که باید توسط سرمربی پرسپولیس به کار گرفته شود.